



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (۶۵) **أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ** (۶۶) **هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِراً إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ** (۶۷) **قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلِداً سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ** (۶۸) **قُلْ إِنْ الَّذِينَ يَقْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ** (۶۹) **مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ** (۷۰) ﴿

اولیای الهی خوف و حزن شخصی ندارند نه به لحاظ دنیا نه به لحاظ آخرت ولی مأمورند بین خوف و رجا به سر ببرند چون بین خوف و رجا به سر می‌برند ذات اقدس اله به اینها وعده داده است که اینها هراسناک نباشند و اندوهناک هم نخواهند شد این مطلب اول با آن بسطش در نوبتهای قبل گذشت مطلب دوم این است که اینها نسبت به معارف دینی نسبت به دین مردم عقیده مردم اخلاق مردم اعمال مردم خائف و غمگین هستند خوف دارند که بیگانگان مردم را منحرف کنند و اگر يك جا انحرافی در يك گروهی دیدند محزون می‌شوند این خوف و حزن منافات ندارد با آن خوف و حزن منفی لذا در سوره مبارکه انعام قبلاً هم گذشت آیه ۳۳ سوره مبارکه انعام که وجود مبارك پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم غمگین می‌شد از حرفهای ضد دینی گروهی آیه ۳۳ سوره مبارکه انعام

این است ﴿قَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُ لِيَحْزَنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَانْهَمُ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾^۱ حزن اینها درباره دین مردم است خوف اینها درباره عقیده مردم است بنابراین اینکه خوفی از مسائل شخصی ندارند نسبت به مسائل شخصی غمگین نیستند بیانش قبلاً گذشت برای اینکه چیزی به غیر خدا دل نبسته‌اند این اصل اول آنچه که محبوب آنها است از دست دادنی نیست تا خائف یا غمگین باشند آنچه هم که از دست دادنی است محبوب اینها نیست بنابراین غمی ندارند اما عقاید مردم اخلاق مردم دین مردم این هم جای خوف است هم جای حزن چون این امر الهی است امر شخصی که نیست از اینجا آن خوف وجود مبارك حضرت کلیم هم معلوم می‌شود که وجود مبارك کلیم حق در آن صحنه مسابقه که ﴿وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾^۲ ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى﴾^۳ آنجا بیان وجود مبارك امیرالمومنین سلام الله علیه را همان اوائل نهج‌البلاغه این جریان ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى﴾ را شرح می‌دهد می‌فرماید ترس موسای کلیم از خودش نبود برای اینکه این بارها آن اژدهای واقعی را مهار می‌کرد اینها که سحر آوردند ﴿وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾ خوف موسای کلیم از آن جهت بود که اگر مردم نتوانند بین معجزه من با سحر ساحران فرق بگذارند و به دنبال تبلیغات سوءدرباریان فرعون بروند باید چه کرد در این زمینه بود که ذات اقدس اله وحی فرستاد که ﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾^۴ تو نترس برای اینکه پیروز می‌شوی برای اینکه این کاری که تو انجام می‌دهی معجزه است آن کار که آنها انجام دادند سحر است و معجزه سحر را باطل می‌کند ﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ آن خوف هم خوف بجایی بود اگر کسی ببیند عده‌ای از نظر عقیده یا اخلاق منحرف شدند غمگین باشد دیگر يك غم ممدوح و محمودی است غم بدی نیست تا کسی بگوید اولیای الهی حزن ندارند این که چیز بدی

۱ - سوره انعام، آیه ۳۳.

۲ - سوره اعراف، آیه ۱۱۶.

۳ - سوره طه، آیه ۶۷.

۴ - سوره طه، آیه ۶۸.

است چیز مذموم است که انسان نسبت به دین مردم نه خوف داشته باشد نه حزن بنابراین آنچه که در سوره مبارکه انعام آیه ۳۳ بیان شده یا همین جا یعنی سوره مبارکه یونس که محل بحث است که فرمود ﴿وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ...﴾^۵ این يك چیز خوبی است یعنی حزنی که تو داری حزن خوبی است چیز بسیار خوبی است ولی مطمئن باش که تو پیروزی یعنی دین پیروز است چرا؟ برای اینکه تمام عزت از آن خدا است اولاً و خدا سمیع و علیم است ثانیاً دو تا برهان است لذا با واو عطف نشده هر کدام جداگانه ذکر شده چون او علیم است و می شنود حرفهای تلخ اینها را می شنود و به اینها کیفر می دهد تو چرا نگرانی بنابراین آن حزنی که اینها نسبت به خودشان داشته باشند که حزن غیر محمود است این منتفی است اما این حزنهای محمود و حزنهای ممدوح است.

سؤال: جواب: نه برای اینکه درباره وجود مبارك پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد که اینها به مقام رضا رسیدند در تمام مدت عمر لیت و لعل نگفتند همان بحثی که از وجود مبارك حضرت امیر سلام الله علیه نقل شد که ایشان می فرمودند که در لیلۀ بدر اولین جنگ جنگ هم نابرابر بود عدد مجاهدان تقریباً سیصد و اندی بود عدد مهاجمان هزار نفر بود آنها مسلح بودند اینها بی سلاح بودند و مانند آن همه می لرزیدند در آن شب ولی وجود مبارك پیغمبر بدون کمترین اضطراب پای درختی تا صبح مشغول مناجات بود و وجود مبارك امیرالمومنین سلام الله علیه با آن شهامت و شجاعت زبانش آنطور که مرحوم کلینی و دیگران نقل کردند می فرمود «کنا و اتقینا او ... رسول الله صل الله علیه و آله و سلم» ما وقتی جنگ خیلی گرم می شد داغ می شد هر کدام ما هراسی داشتیم به پیغمبر نزدیک می شدیم به آن حضرت که نزدیک می شدیم مثل اینکه رفتیم در سنگر اینطور بود «کنا و برسول الله» این ملاذ ما بود بنابراین در مسائل شخصی خوف و حزن نبود اما در مسائل دینی خوف يك چیز بسیار خوبی

است حزن يك چیز بسیار خوبی است چیز بدی نیست غالب این مسائل که مربوط به این آیات است نمونه‌هایش در بحثهای قبل گذشته خلاصه بحث روشن بشود.

سؤال: جواب: چون اگر برای عذاب امت آمدند چون از طرف ذات اقدس اله اگر چنانچه عذابی بیاید خوب هراسناك است معلوم می‌شود که انسان مشمول قهر خدا است دیگر نسبت به خدای سبحان همیشه خائف هستند ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾^۶ است ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَتَهَى النَّفْسُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^۷ است و مانند آن اگر فرشته‌ای از طرف ذات اقدس اله بیاید و انسان نداند که ماموریتش چیست خوب بالاخره باید خوف داشته باشد و خوفش هم خوف بسیار خوبی است برای اینکه از طرف خدا آمده و اگر کسی مشمول قهر الهی باشد خوب جای ترس است جای حزن است بعد آنها بشارت دادند که نه ما با شما کاری نداریم ماموریت ما جای دیگر است اما از حوادث مردم از جنگ مردم گرانی قحطی سیل صاعقه زلزله حوادث روزگار مخالفان مهاجمان منافقان مرجفون از اینها بخواهند هراس داشته باشند نه هراسی ندارند اما از طرف ذات اقدس اله هر چه بیاید اینها دائماً در خوفند دیگر ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ فرمود به این‌که این شرکی که وثنیون حجاز مبتلا هستند يك چیز باطلی است ﴿إِلَّا أَنْ لَّهُمْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمِنْ فِي الْأَرْضِ﴾ اگر اینها ملائکه را تقدیس بکنند مخلوق خدا است اگر عده‌ای مثلاً وجود مبارك مسیح سلام الله علیه را تقدیس بکنند مخلوق خدا است اگر انسانهای دیگر را پرستند آنها هم مخلوق خدایند چه موجود سماوی چه موجود زمینی همه ملك و مُلك و مخلوق خدا است ﴿وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ أَنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ...﴾^۸ در این آیه وجوهی است که بعضی از وجوه در نوبت دیروز اشاره شده و آن

۶ - سوره الرحمن، آیه ۴۶.

۷ - سوره نازعات، آیه ۴۰.

۸ - سوره یونس، آیه ۶۶.

این است که این مشرکان تابع بتها نیستند تابع اهو و انفس خودشان هستند که ﴿و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء﴾ این شرکا بشود مفعول وجه دیگر این است که نه ﴿و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء﴾ که این شرکا مفعول يدعون باشد ﴿و ما يتبع الذين يدعون من دون الله﴾ مفعول يتبع محذوف است به قرینه ﴿ان يتبعون الا الظن﴾ یا این ﴿الا الظن﴾ هم متعلق به يتبعون باشد هم متعلق به يتبع یعنی در اینها حقیقت پیرو مظنه و گمان هستند با گمان حرکت می‌کنند دلیلی ندارند چه اینکه آیاتی که شاهد این مسئله بود هم یافت شده است که اینها جز مظنه و خرص و حدس و تخمین حرفی برای گفتن ندارند این دو وجه درباره مفعول يتبع بعد فرمود وجهی برای شرك نیست برای اینکه ﴿هو الذين جعل لكم الليل لتسكنوا فيه و النهار مبصرا ان في ذلك لآيات لقوم يسمعون﴾^۹ که در نوبت دیروز اشاره شد به انضمام آیه ۱۲ سوره مبارکه اسراء اینها متمم هم هستند در اینجا فایده شب ذکر شد در آیه ۱۲ سوره اسراء فایده روز ذکر شد پس خدا شب را برای آرامش و سکونت و خواب و امثال اینها آفرید روز را برای تلاش و کوشش و تحصیل رزق و علم و دنبال کار رفتن آفرید که مجموع آیه ۱۲ سوره اسراء و این آیه یعنی آیه ۶۷ سوره یونس دو تایی مکمل هم هستند ولی فرمود ﴿ان في ذلك لآيات لقوم يسمعون﴾ کسی که گوش داشته باشد اینها فقط آهنگ را می‌شنوند اهل استماع و درك نیستند به دليل آیه ۴۲ همین سوره مبارکه یونس که قبلاً گذشت فرمود ﴿ومنهم من يستمعون اليك افاًنتَ تسمع الصم و لو كانوا لا يعقلون﴾^{۱۰} اینها کر هستند آن پیام تو در جان اینها فرو نمی‌نشیند اینها يك آهنگی را می‌شنوند همین اینها ﴿صم بكم عمى فهم لا يعقلون﴾^{۱۱} وگرنه برهان مسئله این است که شما چرا مخلوق را می‌پرستید خالق را پرستید اگر ملك است که خود ملك مخلوق

۹ - سوره یونس ، آیه ۶۷.

۱۰ - سوره یونس، آیه ۴۲.

۱۱ - سوره بقره، آیه ۱۷۱.

است و بنده اگر وجود مبارك عیسی سلام الله علیه است که او مخلوق است و بنده چرا اینها را می پرستید آن برهانی که در آیه سوره مبارکه فصلت است که خواندن آن سجده واجب دارد آن برهان این است که چرا شما شمس و قمر را می پرستید کسی را بی پرستید که شمس و قمر را آفرید برهانی که برای ابطال شرك ستاره پرستها اقامه می کند می فرماید چرا این اجرام آسمانی را می پرستید خدایی را عبادت کنید که اینها را آفرید اینها تازه آیه ای از آیات آن ﴿نور السموات والارض....﴾^{۱۲} هستند بعد می فرماید که همین مشرکان حجاز می گویند خدا فرزندی دارد ﴿قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات و ما في الارض ان عندكم من سلطان بهذا اتقولون على الله ما لا تعلمون﴾^{۱۳} فرمود آنهایی که می گویند فرشتگان فرزندان خداوند یا عیسیای مسیح فرزند خداست اینها دلیلی ندارند يك ما دلیلی بر ابطال حرف اینها داریم دو اینها از خطر این تهمت در امان نیستند سه این حرفها همیشه حرفهای تازه است الآن شما می بینید هند سابقه درخشان تمدن و قدمتش و عظمتش پیشرفتش جمعیتش به مراتب بیش از ایران بود و هست الآن هم در آن صنایع سنگین خیلی پیشرفته تر از ایران است مسئله اتم و امثال آن هم که برای هندیهما هست این کشوری که سطحش از میلیارد دارد می گذرد و سابقه کهنی هم دارد از نظر صنایع هم خیلی از ماها جلو است از نظر سابقه تمدن هم خیلی از ماها جلو است از نظر مسائل اتمی هم خیلی از ما جلو است تقریباً در آسیا و شرق يك حرفی برای گفتن دارد بسیاری از این ها در برابر بت خضوع می کنند هم گاو و هم مدفوع آن را تقدیس می کنند مانند آب زمزم الیوم با اینکه علم اینقدر پیشرفته است گفتن لا اله الا الله آنجا جرم ناجخشودنی است يك سفری به هند بکنید در پیش آن گاو پرستها آنهایی که تقدیس می کنند با چه خرافاتی امروز دارند زندگی می کنند این حرفها حرفهای نو است بشر ممکن است از نظر صنعت بتواند اتم را مهار بکند و اتمی باشد ولی از نظر

۱۲ - سوره نور، آیه ۳۵.

۱۳ - سوره یونس، آیه ۶۸.

عقیده و فکر آنقدر فسرده و متحجر باشد که بت پرست باشد این افکار پوسیده مال ۱۴۰۰ سال قبل نیست مال
الیوم است الیوم اگر بدتر از وثنیین حجاز نباشند مبتلا به آنها هستند در همان حد ولی ما اگر آب زمزم را تکریم
می‌کنیم در نوبتهای قبل هم گفته شد برای اینکه معجزه است این کشورها و شهرهایی که در دامنه کوه است باران
زیاد می‌آید برف زیاد می‌آید دو سه سال اگر خشکسالی شود این چشمه‌هایش خشک می‌شود غالب شماها هم به
مناطق بیلاقی آشنایی دارید آنجایی که مقداری برف کم آمده می‌بینید چشمه آن سال خشک است اما مکه يك
شهری نیست که حالا شهر برف و باران باشد سالی يك مقدار باران مختصری آن هم به ندرت می‌آید شهر برف و
تگرگ و یخ و اینها که نیست چون منطقه استوایی است اما حالا يك چشمه‌ای الان ۴۰۰۰ سال است که دارد
می‌جوشد تاریخ رسمی‌اش این است شاید بیشتر باشد آنجا چشمه‌ای و آبی نبود وجود مبارك هاجر سلام الله علیها
زیر پای اسماعیل این آب درآمد الآن يك جایی که زمینه‌ای برای جوشش آب نیست يك چشمه ۴۰۰۰ سال
بجوشد همه تبرك کنند این جا برای تبرك است اما حالا ادرار گوساله جا برای تبرك دارد شما سری به هند بزنید
بینید چگونه تقدیس می‌کنند ادرار گوساله را این حرفها حرفهای تازه است فرمود شما چه را می‌پرستید ﴿ان
تبیعون الا الظن﴾ خدا بچه و فرزند دارد یعنی چه حلول کرده یعنی چه؟ جسم است یعنی چه؟ اینها را چرا نگه
داشتید اینها را ذبح کنید اگر حلال گوشت هستند که ذبح کنید و نخورید اگر نیستند که اینها را از شهرتان دور کنید
از گاو و گوساله چه ساخته است اینها مال کشورهایی است که تمدنشان از ما پیشتر و بیشتر است الیوم این است
بنابراین این آیات همیشه تازه است ژاپن هم همینطور است آنها این فالگیری‌ها نخود بازیهای گوشه و کنار خیابان
يك مقداریش از اروپا و غرب آمده به ایران این فالگیری در آنجا هم هست این خرافات خرابات از آنجا هم آمده
بنابراین پیشرفت صنعت اینچنین نیست که یا آدم را خراباتی می‌کند یا خرافاتی این حوزه‌های علمی است که انسان

را اهل معارف بار می آورد معرفت چیز دیگر است صنعت چیز دیگری است اینهایی که در اثر غرور صنعت صنعت زده شدند یا لائیک هستند و بی دین هستند و لا مذهب هستند که می شوند خراباتی یا خرافاتی هستند خوب ژاپن که می دانید از نظر صنعت مخصوصا صنایع ظریف خیلی پیشرفت دارد ذخائر ارزی آن بیشتر است اما می بینید بت پرستی آنجا هم رواج دارد جان را يك امر ملکوتی تامین می کند نه مسئله صنعت یا انسان به صنعت دل می سپارد لائیک محض می شود می گوید ﴿ان هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا...﴾^{۱۴} یا خرافاتی می شود مانند هندیها مانند آن بودائیهایشان مانند بت پرستهای چین بت پرستهای ژاپن چین هم همینطور است بت پرست دارد الیوم هم بت پرست دارد این بتهای هفده هجده متری سنگهای تراشیده در برابر او خضوع می کنند ژاپن هم همینطور است فرمود آخر شما چه می گوئید خدا فرزند دارد یعنی چه در چیزی حلول کرده یعنی چه خدا مگر جسم است خدا اصلا ﴿ما اتخذ صاحبة...﴾^{۱۵} وقتی همسر ندارد فرزند دارد؟ ﴿ولم یکن له کفوا احد﴾^{۱۶} است ﴿لم یلد و لم یولد﴾^{۱۷} است دلیلی شما ندارید ما دلیل داریم بر عدم که آن سبوح است قدوس است منزّه از نکاح است مبرای از همسر داری است ﴿ما اتخذ صاحبة﴾ و از طرفی هم ساده تر بخواهیم سخن بگوییم آدم فرزند را برای چه می خواهد برای اینکه روز مبادا مشکل او را حل کند او که غنی محض است پس از نظر مباشرت ﴿ما اتخذ صاحبة﴾ فرزند ندارد از نظر نیاز که اهداف تشکیل خانواده هستند او غنی محض است يك، ﴿الله ما فی السماوات و فی الارض...﴾^{۱۸} دو، شما هم که سلطان ندارید برهان را می گویند سلطان چون او حرف آخر را می زند او بر حس مسلط است او بر وهم مسلط است او بر خیال مسلط است چون در قلّه عقل نشسته فرمود شما سلطان که ندارید یعنی برهان که

۱۴ - سوره مؤمنون، آیه ۳۷.

۱۵ - سوره جن، آیه ۳.

۱۶ - سوره اخلاص، آیه ۴.

۱۷ - سوره اخلاص، آیه ۳.

۱۸ - سوره تغابن، آیه ۱.

ندارید یعنی دلیل که ندارید که این اوهام و محسوسات و متخیلات و امثال ذلك زیر مجموعه سلطنت آن برهانتان قرار بگیرد پس برهان ندارید يك، ما برهان داریم دو، برهان ما از چند جهت است یکی که ﴿ما اتخذ صاحبة﴾ و اینکه او نیاز ندارد تا والد بشود ﴿قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه...﴾^{۱۹} این دلیل اول يك چیزی که منزّه از مباشرت باشد مجرد محض است سبوح است قدوس است او که والد و ولد نیست دلیل دوم فرزند را برای نیاز می‌خواهند یا نیاز به مباشرت دارند همسر می‌طلبند او که از هر امری بی‌نیاز است یا نیازی به فرزند دارند نه به همسر که اول به همسر نیاز داشته باشند فرزند مقصود بالتبع باشد این ﴿ما اتخذ صاحبة﴾ او اهل مباشرت نیست نیازی به فرزند ندارد که خود فرزند مطلوب بالاصالة باشد چون او غنی محض است چرا غنی محض است؟ برای اینکه ﴿له ما فی السموات و ما فی الارض﴾^{۲۰} شما که می‌گویید ﴿اتخذ الله ولدا...﴾^{۲۱} حالا یا فرشته‌ها را فرزند می‌بینید یا حضرت عیسی سلام الله علیه را فرزند می‌دانید دلیلی برای گفتن ندارید ﴿ان عندکم من سلطان بهذا أتقولون علی الله ما لا تعلمون﴾ در حالیکه ما قبلاً گفتیم شما چه در تصدیق چه در تکذیب باید عالمانه حرف بزنید اگر خواستید چیزی را نفی بکنید محققانه باشد اثبات بکنید محققانه باشد این دو بُعد مثبت و منفی هر دو را قرآن مبسوطاً بیان کرده دو طائفه از آیات مربوط به این دو بخش است که تصدیق هر کسی باید محققانه باشد تکذیب هر کسی هم باید محققانه باشد بعد تهدید کرده ﴿قل ان الذین یفترون علی الله الکذب﴾^{۲۲} اینها فلاح و نجات نیستند در دنیا ممکن است يك زرق و برقی داشته باشند ﴿متاع فی الدنيا ثم الینا مرجعهم ثم نُذیقهم العذاب الشدید بما کانوا یکفرون﴾^{۲۳}

۱۹ - سورة یونس، آیه ۶۸.

۲۰ - سورة یونس، آیه ۶۸.

۲۱ - سورة بقره، آیه ۱۱۶.

۲۲ - سورة یونس، آیه ۶۹.

۲۳ - سورة یونس، آیه ۷۰.

در بخشی از سوره مبارکه مجادله آنجا فرمود آیه ۲۰ و ۲۱ که ﴿ان الذين يحادون الله و رسوله اولئك في الاذلين﴾^{۲۴}

﴿كتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوى عزيز﴾^{۲۵} که با ﴿العزت لله﴾ هماهنگ است در سوره مبارکه انعام آنجا فرمود پیشروی کوتاه مدت اینها و موقت اینها شما را مغرور نکند ﴿ولا یغرنک﴾^{۲۶} ﴿...الذین لا یؤمنون بآیات الله﴾^{۲۷}

اینها شما را مغرور نکند آن ﴿لا یغرنک﴾ سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۹۶ فرمود ﴿لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد * متاع قليل ثم مأواهم جهنم و بئس المهاد﴾^{۲۸} که مضمون همین آیه‌ای است که در سوره مبارکه یونس محل بحث است و در سوره مبارکه انعام از آن مطلب خبر داد که اینها جز مظنه دلیل دیگری ندارند آیه ۱۱۶ سوره انعام این است که ﴿و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوک عن سبیل الله ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخرسون﴾ اینها برهانی سخن نمی‌گویند در حالیکه ما گفتیم چه تکذیب چه تصدیق هر دو باید مسبوق به برهان باشد بنابراین ﴿متاع فی الدنیا﴾^{۲۹} که متاع دنیا البته اندک است و غیر از این نمی‌تواند باشد ﴿ثم الینا مرجعهم ثم نذیقهم العذاب الشدید بما کانوا یکفرون﴾^{۳۰} در جریان بشری که در بحثهای قبل اشاره شد ﴿لهم البشری فی الحیاة الدنیا...﴾^{۳۱} این بشری گرچه به صورت رویا تعبیر شده است که خواب را می‌گویند بشری لکن حالت منامیه هم بشری است حالت منامیه این است که انسان خواب نیست این ﴿لهم البشری﴾ که به رویا تعبیر شده است یک بیان لطیفی سیدنا الاستاد در این بحث روایی دارد این بحث روایی این قسمت مطلب را ملاحظه بفرمایید که هم آن مطلب نافع را

۲۴ - سوره مجادله، آیه ۲۰.

۲۵ - سوره مجادله، آیه ۲۱.

۲۶ - سوره آل عمران، آیه ۱۹۶.

۲۷ - سوره نحل، آیه ۱۰۴.

۲۸ - سوره آل عمران، آیات ۱۹۶ - ۱۹۷.

۲۹ - سوره یونس، آیه ۷۰.

۳۰ - سوره یونس، آیه ۷۰.

۳۱ - سوره یونس، آیه ۴.

دارند که يك آیه قرآن ممکن است که مجموعش يك معنا داشته باشد و تك تك جمله‌ها بلکه کلماتش هم يك پیام خاص داشته باشد ایشان این روش را از نحوه تفسیر اهل بیت علیهم السلام استفاده کردند فرمودند به اینکه ظاهر ﴿الذین آمنوا وکانوا یتقون﴾ در آیه ۶۳ همین سوره یونس این است که هم به قبل مرتبط است هم به بعد ولی گاهی می بینیم ائمه علیهم السلام همین يك جمله را محل شاهد قرار می دهند معلوم می شود يك واحد منسجمی که صدری دارد ذیلی دارد وسطی دارد خصوصیت قرآن این است که مجموعش يك پیام منسجمی دارد که آن سرچایش محفوظ است تك تك این جملات هم کارآمد است و سازگار دارد در ﴿...قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون﴾^{۳۲} درباره آن آیه بیان فرمودند درباره این هم آیه در بحث روایی همین مطلب را ذکر می کنند و آیه ﴿قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون﴾ را هم دوباره ذکر می کنند بعد می فرمایند این روایی که جزو بشرای مردان با ایمان است این رویا اختصاصی به خوابیدن ندارد آن خوابیدن کسی که بخوابد و رویای صالحه نصیبش بشود این هم مشمول این رویای صالحه روایی است و حالت منامیه داشته باشد آن هم مشمول این است حالت منامیه این است که انسان خواب نرفته قلبش خواب نرفته کاملاً می شنود و آگاه است ولی چیزهایی را می بیند چشمش باز باشد می بیند چشمش بسته باشد می بیند ایشان می فرمودند آنچه که برای وجود مبارك سیدالشهدا (سلام الله علیه) و اصحابش در این سفر پیش آمده کلاً او جلاً همان حالت منامیه بود نه خواب یعنی اینکه وجود مبارك سیدالشهدا سلام الله علیه در بین راه فرمودند ﴿...انا لله و انا الیه راجعون﴾^{۳۳} و وجود مبارك علی ابن الحسین سلام الله علیه عرض کرد چرا استرجاع فرمودید فرمود الآن در عالم رویا به من گفتند این قافله حرکت می کند و مرگ اینها را تعقیب می کند این حالت خواب نبود نه اینکه حضرت روی آن شتر یا اسب خوابیدند و در حالت خواب اینها را

دیدند بلکه حالت منامیه بود یعنی کشف بود شهود بود و در حالت بیداری بود فرمودند اینها کسانی هستند که مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم «تنام عینی ولاینام قلبی» این يك حالت آنچه که در شب عاشورا اتفاق افتاد این بود عصر تاسوعا اتفاق افتاد این بود صبح عاشورا اتفاق افتاد این بود که وجود مبارك سیدالشهدا فرمود الآن جدم را دیدم فرمود زود بیا «ابشر» نه یعنی خواب دیدم نه دیدم جدم را این حالت را می‌گویند حالت منامیه در این حالت وضوی کسی باطل نمی‌شود چون او نخواهیده در حقیقت يك انصرافی است ممکن است آنهایی که جامعیت ندارند از اطرافیان‌شان ممکن است غفلت داشته باشند ولی قلبشان کاملاً بیدار است «تنام عینی ولاینام قلبی» و این حالت را می‌بیند این حالت برای مردان با ایمان هست ﴿لهم البشرى فى الحياه الدنيا﴾ که می‌شود حالت منامیه منتها اینها باید در زیر سایه ولایت يك معصومی انسان کاملی قرار بگیرند که هم این توفیق نصیبشان بشود هم بی‌گدار به آب نزنند نظیر آنچه که در صحنه عرفات نصیب آن شخص شده است به برکت امام سجاد سلام الله علیه که باطن خیلی از عرفاتیها را دیدند که فرمود بین و این نگاه کرد دید خیلیها به صورت حیوان هستند در سر زمین عرفات خوب آن که امام زمان خودش را رها بکند به دنبال دیگری بگردد اهل ثقیفه باشد همین است دیگر خوب امام زمانش را وجود مبارك امام سجاد سلام الله علیه امام علی ابن الحسین این در عرفات است اینها این حضرت را رها کردند به دنبال دیگری راه افتادند باطن این افراد همان است دیگر یا وجود مبارك سیدالشهدا سلام الله علیه شب عاشورا جای مجاهدان را بعد از اینکه آنها گفتند ما ممکن نیست دست از شما برداریم به آنها نشان داد اول که آنها به این مقام نمی‌رسند که بهشت را ببینند که این حالت حالت منامیه است تمثل بهشت است جای خودشان را می‌بینند اینها که خواب ندیدند که اهل بهشت هستند یا بهشت را خواب ندیدند که منتها در تحت ولایت وجود مبارك سیدالشهدا سلام الله علیه آن حالت نصیب اینها شده اینها در حالت بیدار بودند بهشت را دیدند

هم والجنة كمن قد راها نیست «رأها» است نه كمن راها است آن كه در خطبه متقين وجود مبارك حضرت امير سلام الله عليه در نهج است فرمود مردان متقى در دنيا مثل اينكه بهشت را مى بينند «و هم فى الدنيا والجنة كمن قد راها و هم فى .. جهنم والناس قد راها» اينجا ديگر كَأَنّ نيست اَنّ است واقعا بهشت راديدند و وجود مبارك سيدالشهدا سلام الله عليه به اينها نشان داد حشر همه شما با قرآن و عترت باشد هر جا تشرىف داريد در تبليغ در تعليم در سخنرانى محور اصلى بيناتان قرآن و عترت باشد چون همه معارف از آن درمى آيد شبهات روز را بر قرآن و سنت اهل بيت عليهم السلام عرضه كنيد پاسخ را بگيريد به آنها ارائه كنيد انشاء الله اهل عمل صالح هم هستيد.

والحمد لله رب العالمين